



آنان که با کودکان معلول سر و کار دارند بر این باورند که کتابداران می‌توانند با «درک و دریافت» مشکلات و نیازهای خاص کودک معلول بیشترین کمکها را به او بکنند، یاری و مددی که تنها به کتابدار کتابخانه‌های کودکان و آموزشگاهها محدود نمی‌شود، بلکه همه کتابداران را دربر می‌گیرد، چه بیشتر کودکان معلول رشد می‌کنند و بزرگسال معلول می‌شوند.

به سال ۱۹۷۱، مجمع عمومی سازمان ملل متحد بیانیه حقوق عام و خاص عقب‌ماندگان ذهنی را به تصویب رساند، بیانیه‌ای که در واقع می‌توان آن را برای انواع معلولیتها به کار برد، زیرا حق آموزش و مطالعه شامل همگان می‌شود. شایان یادآوری است که سازمان ملل متحد نشر و اعلان رسمی این بیانیه را ضروری شمرد و این سند نشانگر تلاشهای به عمل آمده کلی برای کودکان معلول و تهیه و تدارک امکان دسترسی آگاهانه، مفید و متنوع آنان به کتابها و منابع مربوط است، گونه‌ای دستیابی که کتابداران را به توجه خاص به جوانب موجودی آثار، بناها و خبرگی کارکنان ملزم می‌دارد و به منظور برآوردن نیازهای کودکان معلول باید تغییر یا گسترش یابد.

کتابداران نه تنها در باب این نیازها نگرشهایی خطا و معلوماتی اندک دارند، بلکه باید به عنوان اعضای از جامعه که مایلند نسبت به انحراف از هنجارها بی‌خبر و هراسناک باشند، سرزنشها شوند.

جدامازی اجتماعی در خانه یا مؤسسه و در برخی کشورها در آموزشگاههای ویژه، بطور کلی در میان همگان و بسیاری از کتابداران این دیدگاه را به وجود آورده است که کودک معلول فردی است آشوب‌آفرین و اضطراب‌آور و بهتر است که از مردم «بهنجار» دور ماند، در نتیجه رشد اجتماعی و هیجانی کودک معلول مختل می‌شود و همگان از نیازهای چنین کودکانی به دستیابی تسهیلات بهنجاری که برایشان امکان‌پذیر است بی‌خبر می‌مانند.

بدین‌سان، کتابخانه‌ها به منزله یکی از تسهیلات در اختیار افراد جامعه، نقشی حیاتی در تهیه منابع لازم جهت رشد قوای عقلانی، تخیل و دانش هر فرد در هر شرایط جسمی یا ذهنی ایفا می‌کند، خواه چنین کسانی در خانه و در آموزشگاه زندگی کنند یا در مؤسسه‌ای به حیات ادامه دهند.

هر دسته از معلولان نیازمندیهایی خاص و احتمالاً متفاوت از کتابخانه دارند و بسیاری از کشورها شیوه‌های مختلفی در راه تلاش جهت برآوردن آنها پیش می‌گیرند. برخی معلولان به تدارک طرحهای مادی، اشکال خاصی از منابع و تعداد بیشتری از آن گونه منابعی که برای استفاده بهنجار تهیه می‌شود نیازمندند و برخی دیگر محتاجند کتابخانه به سوی آنان دست یازد.

کتابدار کتابخانه کودکان و کودک معلول

م. ر. مارشال

ترجمه: دکتر اسدالله آزاد



ذهنی، زیرهنگاری آموزشی و پرورشی، ناسازگاری، درخودماندگی^۳، اختلال شخصیتی و هراس از مدرسه را دربر می‌گیرد؛

۷. معلولیت‌های چندگانه، که شامل افرادی با بیش از یک معلولیت شدید می‌شود، هرچند باید توجه کرد که بسیاری از معلولیت‌های نامبرده همراه با اختلال‌های اضافی است. برخی معلولان دیداری اندک گرفتگی^۴ و اختلال شنوایی دارند، بسیاری از مبتلایان به اختلال شنوایی نقایص گویایی دارند و بعضی از کودکان مبتلا به زیرهنگاری ذهنی گرفتار اختلال‌های جسمی هم می‌باشند. و در هر طبقه، بسیاری از مشکلات ذهنی و هیجانی در رنجند که حاصل مستقیم معلولیت آنهاست و از مشهودترین آنها می‌توان از عقب‌ماندگی پرورشی یا زیرهنگاری نام برد که بر اثر بستری شدن، ناسلامتی و اغلب از محرومیت اجتماعی برمی‌خیزد.

۸. محرومیت اجتماعی یا محیطی که در این مقاله از بررسی آنها چشم می‌پوشیم.

در بیشتر کشورهایی که از نظر فنی پیشرفته‌اند، تعداد کودکان تک‌معلولیتی در حال کاهش و چند معلولیتی در حال افزایش است. برای نشان دادن این وضع، شاید تفکیک این ارقام در بریتانیا برای کسانی که آموزشی ویژه می‌گیرند مفید باشد (جدول ۱). این رقمها از آمارهای رسمی^۵ برگرفته شده است.

جدول ۱

گروه معلولان	درآموزشگاههای ویژه	درسیاه انتظار
زیرهنگار آموزشی (خفیف) و زیرهنگار آموزشی (شدید)	۸۴۶۱۲	۱۱۲۲۸
ناسازگار	۱۴۲۰۸	۱۸۲۲
معلول جسمی	۱۲۱۳۹	۷۳۳
زودرنج	۰۷۶۱۴	۸۳۸
نیمه شنوا	۰۴۷۴۴	۲۳۷
ناشنوا	۰۳۶۷۲	۱۲۷
نیمه بینا	۰۲۲۲۳	۲۱۶
نابینا	۱۲۲۶	۱۲۷
صرعی	۸۹۱	۴۹
دارای نقایص گفتاری	۵۰۰	۱۱۰
درآموزشگاههای بیمارستانها (اغلب زیرهنگار آموزشی شدید)	۸۶۲۶	
جمع	۱۲۲۲۸۳	۱۴۹۹۱

جمع کل این افراد حدود یک و نیم درصد کل جمعیت مدرسه‌روست که درصدی مشابه در ایالات متحده امریکا و سوئد می‌باشد. پژوهشی اجمالی که در بریتانیا انجام شده است^۶ نشان می‌دهد که در میان دویست کودک که پا به جهان می‌گذارند، دو تن

اما اغلب این واقعیت که کودک معلول تحت مراقبت شمار زیادی از مقامات مسئول است و هر یک برای رفاه او عنایت و وظیفه خاصی دارند و منابع مالی آنها از سرچشمه‌های مختلفی به دست می‌آید، بساط چنین تدارکاتی برچیده می‌شود. در بریتانیا یکی از آموزگاران کودکان معلول جسمی در مورد این افراد به رقم پنجاه تن دست یافت که بطریقی مسئول نیازهای ویژه یک کودک معلول بودند. کودک آموزش‌پذیر احتمال دارد به کتابها و دیگر منابع آموزشگاه خود، به گونه‌ای اسمی یا واقعی به کتابخانه عمومی و احتمالاً به منابع ملی کشورش دسترسی داشته باشد، اما به سبب دشواریهای ارتباطی و همکاری، همه این مراکز چندان خدمتی برای او انجام ندهند، چه ماهیت معلولیت برای هرگونه بهرجویی از آنچه تهیه و تدارک می‌شود، یاری بسیاری می‌طلبد. در واقع، احتمال دارد این موانع و کمیت و دامنه محدود مواد مناسب، دستیابی به همه مواد و خدمات کتابخانه را به سطحی فرور از نیازهای کودک معلول کاهش دهد.

وجود چنین دشواریهایی در کشورهایی که در آنها خدمات آموزشی، کتابخانه‌ای، پزشکی و اجتماعی بسیار منظمی به چشم می‌خورد، تنها مؤید وضع وخیم کودکان معلول در ممالکی است که چنین خدماتی در آنها چندان به سامان نرسیده است.

طبقات معمول و مشترکی از معلولان وجود دارد و نیاز به منابعی مشترک، و با آن که توصیه شکل مشترکی از خدمات کتابخانه‌ای جهت معلولان دشوار می‌نماید، جنبه‌های تهیه و تدارک رایجی جاری است که شیوه‌های مفصل آنها از کشوری به کشور دیگر تفاوت می‌کند و گاه درون یک مملکت نیز با هم اختلاف دارد.

این طبقات و گروههای معلول کدامند؟ با آن که در این مقاله از اصطلاحهایی کلی نظیر دیداری، شنیداری و ذهنی استفاده شده است، حوزه‌های خاص معلولیت را می‌توان بشرح زیر دسته بندی کرد:

۱. معلولیت دیداری، که افراد کاملاً نابینا و نیمه بینا را دربر می‌گیرد؛

۲. اختلال شنوایی، که افراد کاملاً ناشنوا و نیمه شنوا را شامل می‌شود؛

۳. معلولیت جسمی، که شامل افرادی مبتلا به اسپینا بیفیداد^۱، فلج مغزی، عوارض سینه و کلیه، نقایص مادرزادی نظیر ناهنجاریهای قلبی، هیدروسفالی^۲ و آسیبهای تولد، عوارض استخوانی، پوستی، ماهیچه‌ای، ناهنجاریهای خونی و کسانی می‌شود که حوادث جاده‌ای یا دیگر تصادفها به آنان صدمه زده است؛

۴. اختلال‌های گویایی و زبانی که در نتیجه ناشنوایی پیش نیامده باشد؛

۵. صرع؛

۶. معلولیت ذهنی و هیجانی، که افراد مبتلا به زیرهنگاری



گسترده‌تر کرده است. ضبط مجله بر نوار، به همت برخی جمعیت‌ها و کتابخانه‌ها، نیاز به اطلاعات جاری و خیرهای محلی روز را که بیشتر جوانان نابینا از آنها محروم بودند و نمی‌توانستند روزنامه‌های محلی را بخوانند، برآورده کرده است. کودکان و نوجوانان، به اندازه خوانندگان بینایی که با مطالعه مطالب خنده‌آور، مجله‌ها، ماجراها و رویدادهای هیجان‌انگیز گریزگاه و لذتی می‌جویند، به خواندنی‌های «سبک» نیازمندند، اما معلولان دیداری چنین گریزگاه‌هایی ندارند، زیرا جایگزینی برای سرشت تصویری مطالب فکاهی، آثار مکمل رنگی یا کتابهای تصویری از راه برخی داستانهای خیالی «سبک» که بتواند به شیوه بریل به صورت دیگر درآید، وجود ندارد.

کتابخانه ملی نابینان^۶ و مؤسسه سلطنتی نابینان بریتانیا^۷، بخش نابینان و معلولان جسمی کتابخانه کنگره^۸ در ایالات متحده و بنیاد سوئد^۹ مایلند کتابهای «مناسب» و مورد نیاز مطالعه را به خط بریل درآورند و ناشران سلسله انتشارات آثار با چاپ درشت به تازگی به نشر داستانهای خیالی آسانتر آغاز کرده‌اند. اما رویهم رفته وضع از این قرار است که کودکان دارای توان متوسط یا فروتر از آن یا آثانی که به هر صورت به سبب معلولیت خود از نظر مطالعه عقب هستند، به واسطه وجود خواندنی‌هایی که از جهت واژه‌گان، ساختار و محتوا هوشمندی بیشتری می‌طلبند یا ناتوانی در مطالعه پراکنده و از این شاخه به آن شاخه پریدن که اغلب ما ناآگاهانه انجام می‌دهیم، معلولتر می‌شوند. برخی از متون خواندنی و کتابهای ویژه کندخوانان سیزده تا نوزده ساله به خط بریل و با چاپ درشت در اختیار است و اندکی از نیازهای آموزشی را برمی‌آورد.

مواد کتابخانه‌ها برای کودکان دارای معلولیت دیداری

در آموزشگاههای ویژه این معلولان، کتابخانه آثاری نشر یافته به خط بریل و مون^{۱۱} را فراهم می‌آورد. برخی از این آثار برای افزودن به مجموعه و موجودی کتابخانه خریداری می‌شود. و بعضی دیگر از راه امانت میان کتابخانه‌ها از کتابخانه ملی تهیه می‌شود. دیگر موادی که به تهیه آنها همت می‌گمارند عبارت است از کتابهایی با چاپ درشت، مجله‌هایی به خط بریل، نوار صفحه‌های داستانی، اطلاعاتی، موسیقی، مجموعه‌ای آموزشی و بازیهای انطباق یافته با نیازهای کودکان، نظیر شطرنج، و کتابهای معمولی کودکان اما با تصاویر بزرگ و حروف چاپی واضح. برای مجله‌های پرحجم به خط بریل تعداد قفسه‌های بسیار و میزهای وسیع برای مطالعه آنها نیاز است، به نشانه‌های راهنمایی به خط بریل بر کتابها و قفسه‌ها، وسایل شنیداری جهت نرم‌افزارها و کتابدار/ معلمی بینا برای سازماندهی کتابخانه احتیاج است.

کتابخانه‌های عمومی بعضی کشورها، غیر از ساعات بازبودن

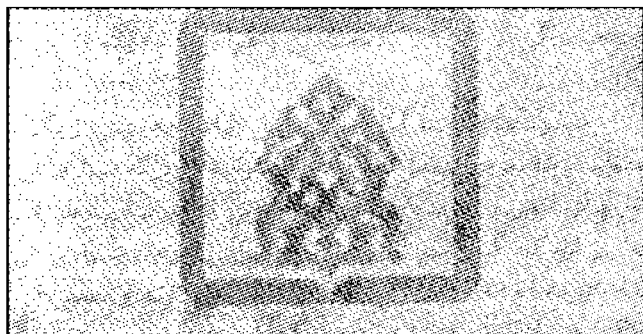


نقایص شدید دارند و بطور کلی می‌توان پذیرفت که در آموزشگاههای معمولی کودکان معیوب بسیاری، شاید هشت درصد دیگر، هستند که رشد آنها با مداوا در آموزشگاههای ویژه بهتر خواهد شد. گرچه این درصد در کشورهای مختلف متفاوت است، احتمال دارد درصد کمتری از کل تعداد کودکان را تشکیل دهد و در نتیجه از حریم اندک توجهی که کتابداران باید به آنها بکنند، دور مانند. اما نیاز به خواندن آن درصد اندک ناتوان به احتمال از توانایان برخوردار از قوای ذهنی و کسانی که به منابع انگیزش و دانش بیشتری دسترسی دارند، بیشتر است.

نیازهای مطالعاتی معلولان

توان مطالعه کودک معلول دیداری، در قیاس با کودک بینا، متفاوت است. نابینایان خواننده خط بریل، نسبت به طول زمانی که این خط را آموخته‌اند و میزان توان هوشی خود، در مراحل مختلف سرعت و درک مطلب خواهند بود. به همین سان، توان مطالعه کودکان نیمه بینایی که حروف چاپی متوسط تا درشت را می‌خوانند نیز متفاوت است و به انواع کتابهایی در هر سن، موضوعهای مورد علاقه و سطوحی نظیر آثار مورد نیاز کودکان بینا احتیاج دارند، به شرطی که به خط بریل، با حروف مشخص یا درشت چاپ شده باشد. از آنجا که مواد مناسب با شکل و اندازه حروف درخور کمیاب است، بسیاری از کودکان معلول دیداری از محرکهای تخیلی و اطلاعات تصویری محرومند و آنچه را در اختیار دارند به دشواری می‌خوانند؛ مطالعه به یاری سرانگشتان یا کاربرد ذره بین یا بسیار نزدیک نگاه داشتن کتاب به چشمان، کار خواندن را حتی برای کودکان زیرک سخت می‌سازد، چه سرعت مطالعه به حد نویدکننده‌ای کاهش می‌یابد. حتی مواد چاپی ساده بریل به سبب فشار سرانگشتان یادگیرندگان این خط، به سرعت فرسوده و پاره می‌شود؛ هر چند ابداع نقطه‌های کشش‌پذیر در اثر حرارت این مشکل خاص را حل کرده است.

دسترسی روزافزون داستانها و مواد مطالعاتی بر کاسیت، کار دستیابی به مواد چاپی را برای کودکان معلول دیداری آسانتر و



فراهم می‌کند به یاری لمس کردن، شنودن و بویدن یاد بگیرند.

احتمالاً حداقل نیازهایی که کتابداران درک و دریافت می‌کنند و برآوردن آنها دشوارترین کارهاست، نیازهای مطالعاتی کودکان ناشناختن. در میان انواع معلولیتها، ناشنوایی از نظر خواندن بیشترین نقایص را دربر دارد. زیرا با آن که ذهن و هوش کودک ناشنوا احتمالاً بهنجار است، از نظر زبان دچار نقص و کاستی است. زبان — گفتاری یا نوشتاری — به منزله ابزار اندیشه و وسیله برقراری ارتباط شفاهی و کتبی مورد نیاز است و کودک ناشنوایی که زبانی را نمی‌شنود و در نتیجه در خواندن زبان هم دشواری دارد، به احتمال در فرایند اندیشه و ادراک نیز دچار نقص خواهد بود و ممکن است این امر به واپس ماندگی او از کاروان دانش و احتمالاً باقی ماندن به حالت نارسایی و تنهایی بینجامد.

کودکی که توان شنیدن دارد انگاره‌های زبانی از پیش آشنا را می‌خواند، زیرا آنها را از زبان دیگران شنیده است یا برای او خوانده‌اند. کودک ناشنوا از صفر آغاز می‌کند و ساختارهای جمله‌ای را در ذهن ندارد و تنها می‌تواند افعال و اسامی تک‌هجایی را بر زبان آورد یا لب‌خوانی کند. فهم ناپذیری محض بسیاری از کتابهای ویژه کودک ناشنوا را به بهترین وجه می‌توان با ارزیابی کار شخصی شنوا مقایسه کرد، به شرطی که زبان شنوا را مرتبط با کلمه‌های مربوط به آواها مقایسه کنیم، مثلاً عباراتی چون «قطار تندآسا گذشت»، «بارون میاد جرجر»، «شیر غرید» را باید با شخصی که صدای سخن گفتن خود را می‌شنود مقایسه کرد.

اصطلاحها، تشبیه‌ها، کنایه‌ها و اقسام کلام برای کودک ناشنوایی که با حداقل ادراک می‌تواند بخواند هیچ معنایی ندارد، و او باید برای آغاز یادگیری توان خواندن داشته باشد. حتی در مجالس قصه‌گویی، گروهی یا فردی، کودک ناشنوا از آن جهت که باید به قصه گو، و نه به کتاب، بنگرد محرومیت خواهد کشید.

احتمال دارد کودک ناشنوا در سن پنج سالگی گنجینه واژگانی به حد پانزده کلمه داشته باشد و آموزشگاه را در شانزده سالگی با سن خواندن هفت یا هشت سالگی ترک گوید، بیشتر مسأله به این نکته مربوط است که آیا با اختلال شنوایی به دنیا آمده یا پس از

آموزشگاهها و در تعطیلات، خدماتی برای کودکان انجام می‌دهند، اما باید تمهیداتی به کار برد که کودکان دارای معلولیت دیداری هم از این خدمات سود جویند و برنامه‌هایی چون قصه‌گویی، نمایش، موسیقی، فعالیتهای باشگاهی در روزهای تعطیل برای آنان ترتیب دهند تا این نوع کودکان بتوانند با تفاوت اندکی در کنار کودکان بینا در این فعالیتهای شرکت کنند. این کار در کتابخانه‌های بسیاری انجام می‌پذیرد و رابریزهای حرفه‌ای در باب سازماندهی کتابخانه‌های آموزشگاهی صورت می‌گیرد، هرچند نوآوریها و انطباق با کارهای عملی حرفه‌ای نیز معمولاً ضروری است و دلیل آن این است که معمولاً تسهیلات و ابزارهای دیداری لازم برای بهره‌جویی از کتابخانه وجود ندارد و بیشتر چنین کتابخانه‌هایی موجودی اندکی دارند. کتابدار حرفه‌ای می‌تواند در آگاه‌سازی کارکنان کتابخانه‌ها از انتشارات مناسب تازه و بطور کلی تسهیل برقراری ارتباط و همکاری میان کتابخانه‌های عمومی، مسئولان آموزش و پرورش و آموزشگاهها نقشی حیاتی بازی کند.

تدارکها و مددهای ملی در بسیاری از کشورها در اختیار است و به صورت تمهیدهای کتابخانه ملی در امر گزینش کتابهایی که باید به خط بریل درآید، نشر آثار به خط بریل، فروش و امانت رایگان و مستقیم این آثار یا غیرمستقیم به یاری کتابخانه‌های محلی یا کارگزاریها جلوه می‌نماید. همین کمکها را می‌توان با توزیع به منظور فروش یا امانت‌دهی کتابهای گویا انجام داد.

در گزینش آثار برای کودکان کم سن و سال دشواریهایی وجود دارد، از آن جهت که بسیاری از کتابها دارای تصاویری مکمل متن، و نه برای تزیین آن، است و نمی‌تواند بی‌وجود تصویرها به وجود آید و لذا مناسب تغییر شکل به صورت بی‌تصویر نیست. نشر به خط بریل فرایندی پرهزینه و گران است و خود دلیلی برای آن که در سنین مختلف تهیه این آثار برای سنین مختلف، علایق و تواناییهای گوناگون با دشواریهای روبروست، واقعیت تلخی که با وجود امکان خواندن به مدد سرانگشتان، بسیاری از کودکان نابینا ترجیح می‌دهند به داستانهای گویا گوش فرا دهند.

در بسیاری از کشورها کودکان نابینا به هر دو شکل این مواد — به یاری همکاری میان کتابخانه‌های منطقه و دسترسی به تجهیزات شنیداری لازم — دسترسی دارند. در برخی کشورها این وسایل در اختیار نابینایان رسماً ثبت نام کرده از طریق دواير خدمات اجتماعی و کتابخانه‌های عمومی است. کتابخانه‌های ملی به تهیه فهرستهای کتابهای بریل و دیگر مواد دست می‌یازند و نقد و بررسیهای منظمی از مواد تازه منتشر شده به دست می‌دهند.

تمامی این مواد بطریقی در خدمت رشد کودکان نابیناست. اگر بپذیریم که حدود نود درصد آنچه می‌توان آموخت از راه حس بینایی است، آثانی که از بسیاری چیزها محرومند باید آنچه را کتابخانه



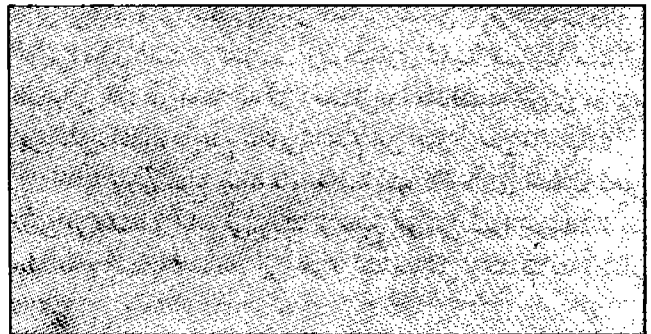
استفاده می‌شود کتابداران باید ترتیبی دهند که جریان کامل و مستمر برق برقرار باشد تا امکان اتصال ابزارهای کمکی شنوایی به دستگاه پخش صوت موجود باشد و بدین ترتیب از به گوش رسیدن صداهای دیگر و غیرطبیعی جلوگیری به عمل آید.

کشورهای متعددی آموزشهای ویژه کودکان ناشنوا را عرضه می‌دارند، اما در اندک شماری از کشورها کتابداران به نیازهای کتابی آنان عنایتی ورزیده‌اند و این مهم یعنی تهیه مواد لازم را برعهده آموزگاران نهاده‌اند و از آنان انتظار دارند تا برای هماهنگی تلاشهای مربوط به تهیه مواد، از کتابداران کتابخانه‌های کودکان و ناشران درخواست کمک کنند.

بسیاری از کودکان معلول جسمی به لحاظ آموزشی عقب مانده‌اند، و با آن که اغلب از نظر هوش و از لحاظ اجتماعی رفتارهای جالبی از خود نشان می‌دهند، عقب ماندگی آنان بر اثر معلولیتی جسمانی است که نیاز به بستری شدن مداوم، دوره‌های مداوا و درمان دارد که همه این عوامل بشدت از زمان ممکن برای مدرسه رفتن می‌کاهد، و اینها سواى کاهش توان تمرکز به دلیل درد مدام است. بسیاری از این کودکان بی‌اختیارند و برخی دارای پرهیز دارویی، و بدین سان است که پیوستگی مدرسه رفتن و بازی آنها گسیخته می‌شود.

کودکانی با این معلولیت جسمی و آموزشی را می‌توان در مدارس شبانه‌روزی یا روزانه مخصوص، بیمارستانها و گاه در آموزشگاههای معمولی یافت. این کودکان نیازهای کتابخانه‌ای مشترکی دارند، از جمله:

۱. شماری آثار در اختیار کودک معمولی، اما به شکلی حمل‌پذیر؛ کتابهای جلد شمیری خاص آنانی که در به دست گرفتن هر چیز سنگینی دشواری دارند و حمل‌پذیرتر زمانی که حرکت آنان سخت است.
۲. تعداد کتابهای بیشتری که خواندن آنها از جهت واژگان و محتوا مربوط به علائق افراد سنین بین سیزده و نوزده سالگی است.
۳. منابع دیداری و شنیداری ویژه کودکانی که توان دستکاری کتابها را ندارند و کودکان خواننده واپس مانده، به عنوان مواد کمکی اضافی جهت درک مطلب.
۴. دستیابی به همه منابع مربوط به کودکان بهنجار. این مسأله به طرق مختلف دست‌یافتنی است، به وسیله فراهم کردن امکان دسترسی به کتابخانه‌های عمومی، فراهم آوردن منابع لازم از راه امانت دادن آنها به آموزشگاههای ویژه و بیمارستانها جهت تکمیل مجموعه و موجودی آنها، برقراری ارتباط میان آموزگاران، والدین و کتابداران جهت کسب اطلاعات. از همه این موارد در قسمت خلاصه تدارکات کتابخانه‌ای برای انواع گروههای معلولان یاد خواهد شد.



یادگیری سخن گفتن و خواندن، ناشنوا شده است. کتابداران آموزشگاههای ناشنوایان به مرور زمان می‌آموزند تا از کتابهای معمولی، بویژه کتابهای مصور، آثاری را برگزینند که کیفیت لازم برای کمک به رشد خواندن، درک مطلب و کسب لذت را دارا باشد، مسأله اخیر بخصوص هنگام انزوا (منزوی شده از نظر شنوایی و جنبه‌های اجتماعی) اهمیتی حیاتی دارد، زیرا این نکته بدان معناست که کودک ناشنوا می‌تواند از مطالعه به عنوان فعالیتی فردی لذت ببرد.

کمبود کتابهای مناسب، آموزگاری از جمله معلمان کودکان ناشنوا را در بریتانیا واداشت تا با اجازه ناشران کتابهای چاپی نشر یافته را در طرحی موسوم به کتابخانه خانگی کودکان ناشنوا، طرح شکست موانع اعتماد^{۱۲}، با نیازهای ناشنوایان سازگار سازد. کتابهای مصور مشخصی را با افزودن متن تغییر دادند تا داستان را به زبانی ساده‌تر و سازگارتر و با چاپ استاندارد بیان دارد. این کار امر خواندن را ساده‌تر می‌کند، اما دیگر بخشهای کتاب را تغییر نمی‌دهد. این نکته که چنین آثاری از طریق سازماندهی آنها به بهای خرده‌فروشی به فروش رسد تنها به شرطی امکان‌پذیر است که حامیان طرح شکست موانع اعتماد که انجمنی است مصمم به یاری‌رسانی کودکان دارای اختلال شنوایی و والدین ایشان، عزم به کمک مالی جزم کنند. تمام کارها به همت معلمان و والدین داوطلب انجام می‌شود و کتابها در آموزشگاههای ویژه و خانه‌های کودکان ناشنوا در اختیار قرار می‌گیرد. تعداد نسبتاً اندک کودکان ناشنوا این نکته را می‌رساند که احتمالاً تولید حرفه‌ای این آثار برای ناشری آماده برعهده گرفتن چنین تعدیل‌هایی از جنبه تجاری به صرفه نخواهد بود، اما کتابداران و سازمانهای کتابداران باید امکان همکاری، جرح و تعدیل سازگار کتابها، تولید این گونه آثار برای استفاده ملی و بین‌المللی را در رأس امور خود قرار دهند.

کتابداران کتابخانه‌های کودکان که پذیرای کودکان ناشنوا در بخشهای داستان مجموعه‌های خود هستند باید داستانهای آسان همراه با اطلاعات تصویری را هرچه بیشتر برگزینند و هنگام بلندخوانی آنها از حرکات لب آشکارا بهره جویند. جایی که از میکروفن

آهنگ مرگ و میر کودکان نابینا، ناشنوا یا معلولان ذهنی اندکی با کودکان بهنجار متفاوت است؛ اما معلولان جسمی و افراد دارای معلولیت‌های چندگانه هم آسیب‌های جسمانی بیشتر و هم انتظار طول عمر کمتری دارند. با آن که بسیاری از آنان به بزرگسالی و بسی بیشتر به برخورداری از مزایای بزرگسالی نمی‌رسند، خدمات کتابخانه‌ها باید تجربه تخیلی و تجربه به جای دیگران یاری رساند و زمینه محرک ذهنی و گریز روانی از قید و بندهای جسمانی را مهیا سازد.

پژوهش‌های پیمایشی نشان داده است که کودکان معلول همان‌گونه کتابهایی را می‌خوانند که کودکان سالم مطالعه می‌کنند، و اینکه برخی کردارها از جهت جسمی برای معلولان ناممکن است، بدان معنا نیست که آنان به مطالعه در باب آن رفتارها و کردارها گرایشی ندارند. این نکته برای کتاب‌گزیان و کتابداران ویژه چنین کودکانی اهمیتی بسزا دارد. بررسی در باب ادبیات و رغبت‌های مطالعاتی کودکان نشان می‌دهد که بسیاری از آنان داستان‌هایی رخ داده در دیگر کشورها را می‌خوانند، داستان‌هایی حاوی ماجراهای ناممکن برای خوانند معمولی و روابطی که احتمالاً برای کودک عادی پیش نمی‌آید، با این حال چنین داستان‌هایی با لذت تمام خوانده می‌شود و تا حد زیادی علت آن این نکته است که درونمایه هیجانی آنها را می‌شناسند. بر صندلی چرخدار یا راحتی نشستن خواننده نوجوان چندان تفاوتی در پروازهای خیالی یا اندیشه‌های آرزومندانه وی ندارد.

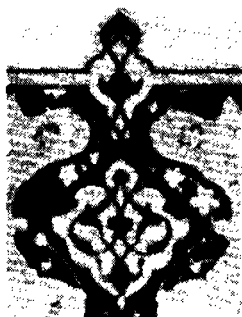
خواندن به منظور کتاب‌درمانی جای خود را دارد و برخی آموزشگاه‌های ویژه و بیمارستان‌ها از این شیوه برای معلولان سود می‌جویند. برخی سازمان‌های ملی سیاهه‌های کتابهایی تهیه می‌کنند که خواننده می‌تواند در آنها شخصیتی با معلولیت جسمی یا هیجانی مشابهی بیابد.

در میان انواع معلولیت‌ها، معلولیت ذهنی کودک در والدین و بطور کلی مقامات رسمی و جامعه گونه‌ای اختلال روانی همراه با ترس و پریشانی به بار می‌آورد که خود از بقایای دورانهای گذشته و زمانی است که اعتقاد به بیماری روانی به ایجاد بیمارستان‌ها انجامید و در اذهان والدین، داغ به دنیا آوردن کودکی «کند ذهن»^{۱۳} رنج‌آور بود. هنوز هم جامعه برای این‌گونه والدین و کودکان دشواری می‌آفریند و معلمان معلولان ذهنی نیز در حال آموختن این نکته‌اند که چه کارهای دیگری می‌توان برای توانبخشی به تواناییهای محدود کودکان انجام داد. بیمار ذهنی، زیربنجار از مقوله‌های بسیار دشوار است، اما اندیشه‌ها و انگیزه‌های نو به گونه‌ای روزافزون به تمامی آنان مدد می‌رساند.

در بریتانیا، زیربنجاری خفیف حالتی بدین شرح تعریف می‌شود: «رشد ذهنی ناقص یا بازداشته که زیربنجاری هوشی را

دربار می‌گیرد و نیازمند یاپذیرای درمان پزشکی یا مراقبت‌های ویژه یا آموزش فردی است». تعریف زیربنجاری شدید عبارت است از: «ناتوانی فرد در ادامه زندگی مستقل یا محافظت خویش در برابر بهره‌کشی شدید، یا عدم توانایی انجام این امور در سن مناسب»^{۱۴}. اما به یاری انواع رسانه‌ها، به همه کودکان دارای اختلال ذهنی درس می‌دهند و آنان می‌توانند از منابع آموزشی بهره‌جویند. از نظر مطالعه و کتابخانه‌ها، این افراد چه مسائل و مشکلات ویژه‌ای دارند؟

کودک دارای معلولیت ذهنی از نظر جسمی می‌بالد، اما در رشد ذهنی و زبانی او همگام با آن پیش نمی‌رود. گرچه احتمال دارد کودک گنجینه واژگانی داشته باشد، اما ممکن است نتواند از آنها به منزله ابزارهای اندیشه سود جوید. او از مفاهیم ادراکی اندک و به محیط علاقه‌ای محدود دارد، فاقد کنجکاوی است یا کنجکاوی وی زودگذر است. ساختار جمله‌ها و جمله‌سازی او ابتدایی است، دشواریهای گویایی دارد، تمرکز او بسیار محدود و هماهنگی جسمانی وی ضعیف است. چنین کودکانی ممکن است در آموزشگاه‌های روزانه، خانه، آموزشگاه‌های شبانه‌روزی — برای آنانی که به دلایل گوناگون امکان نگهداری آنها در خانه مقدور نیست — یا بیمارستان‌ها — برای کسانی که به مراقبت ویژه نیازمندند — بسر برند. در بیشتر موارد سن عقلی آنان بندرت از ده سال فراتر می‌رود و میانگین این سن برای نوجوانان سیزده تا نوزده ساله، پنج سال است. تعداد کودکانی که پس از آموزش دراز آهنگ و انفرادی توان خواندن کتابهای آسان را دارند بسیار کم است، اما بیشتر آنان حتی مهارت‌های پایه خواندن همراه درک مطلب را به دست نمی‌آورند، اما احتمال دارد بتوانند از تصاویر کتابها برای بازشناسی و توصیف کلامی و کسب اطلاعات استفاده کنند. بسیاری دیگر می‌توانند از گوش فرادادن به داستانهای کوتاه ساده همراه با تصویرهای گویا و روشن لذت برند. کتابهای حاوی متون مستند دارای مفاهیمی فراسوی گنجایش و استعداد کودک معلول است و از آنجا که گستره تمرکز او اندکی بیش از پنج دقیقه است، حتی با وجود محرک‌های دیداری، چنین کتابهایی چندان دردی را دوا نمی‌کند.





مددکاران اجتماعی سازمان می‌دهند. بعضی در کتابخانه‌های سیار، کتابخانه‌های شاخه‌ای، درمانگاهها، مدارس ویژه، بیمارستانها، مهدکودکها یا مراکز اجتماع و انجمنها ایجاد می‌شود.

نقش کتابدار کتابخانه‌های کودکان که به یاری چنین کتابخانه‌ای همت می‌گمارد عبارت است از دیدار این گونه مددکاران به منظور ادای دینی به کودکان معلول، معرفی مجموعه مناسبی جهت گنجاندن در مجموعه اسباب بازی خانه، تهیه سیاهه‌های این گونه مواد برای والدینی که اسباب بازی به امانت می‌گیرند، توصیه در باب منابع اطلاع مربوط به خدمات و سازمانهای ویژه معلولان، کمک به حمل و نقل مواد، عرضه خدمات کارشناسی و ارائه شیوه‌های کار، فهرستنویسی اقلام و به نمایش گذاشتن اسباب بازیها، اطمینان خاطر از این که برنامه کارآموزی کارکنان در کتابخانه عمومی مبادی آشنایی با نیازهای به اسباب بازی از سوی والدین و کودکان را دربر گیرد و آوازه‌گری وجود و خدمات اسباب بازی خانه.

کودک معلول ذهنی به بزرگسال معلول ذهنی بدل می‌شود و نیازهای خواندنی از کتابهای تصویری شامل واژه‌های ساده خاص کودکان به کتابهای تصویری دربرگیرنده واژه‌های ساده خاص نوجوانان، جوانان و بزرگسالان گرایش می‌یابد. از این رو، به چنین موادی نیاز بسیار می‌رود. نیازی که در حال حاضر با ازدیاد مواد ویژه برنامه‌ای سوادآموزی بزرگسالان در بیشتر کشورها کم و بیش برآورده می‌شود.

ضروری است کتابداران دریابند که بسیاری از معلولان با آن که اکنون بزرگسال شده‌اند مسائل کودکان را به کناری نهاده‌اند و قصه‌گویی و فعالیتهای کتابخانه‌ای هنوز مورد نیاز آنهاست. کتابداران کتابخانه‌های عمومی به محض آن که سن کودکان از حد آمدن به کتابخانه‌های کودک و آموزشگاهی درمی‌گذرد، اغلب چنین نیازی را فراموش می‌کنند. راهنمایی حرفه‌ای متخصصان آموزش و پرورش، والدین و خود کودکان کمک خواهد کرد تا شکافهای موجود در کار اطلاع از کتابهای کودکان و مواد مربوط به آنها تنگتر شود و پل پیوندی میان آن شکافها که سیب شده است این همه والدین معلولان ذهنی نومیدانه احساس انزوا کنند، برقرار شود.

خدمت کتابخانه عمومی به کودکان معلول بازشناسی جنبه‌های مشترک معلولان، نظیر روشهای دستکاری و بررسی جسمانی، را دربر می‌گیرد. خوانندگان دارای معلولیت دیداری اغلب کتاب را باز کرده و صاف روی میز می‌گذارند، روی کتاب خم می‌شوند و فشار سرانگشتان یا ابزارهای درشتنمایی را به کار می‌بندند، یا چنان بر کتاب خم می‌شوند تا چشمانشان به صفحه نزدیک شود. معلولان جسمانی اغلب در کار به دست گرفتن و ورق زدن کتاب دشواری

کتابهای اطلاعی ساده می‌تواند بسیار مفید و لذتبخش و دارای فایده افزوده کمک به کودک در راه کسب توان پرداختن به مسائل روزمره زندگی به مفهومی عملی باشد. بسیاری از کودکانی که به کتابهای معمولی آسیب می‌رسانند می‌توانند از کتابهای پردوامتر ژنده، برساخته از اشیای اضافی و دورریختنی و برگه‌های مطبق استفاده کنند. در سیاهه تهیه شده توسط نگارنده^{۱۵} از کتابها و مجموعه‌های آموزشی مناسب، سعی شده است به آثار گزیده‌ای اشاره شود که معمولاً در کتابخانه‌ها در دسترس است، بطوری که مجموعه کتابخانه عمومی معمولی بتواند بی‌نیاز به هزینه اضافی مورد بهره‌برداری قرار گیرد.

کودک معلول ذهنی بستری شده، حتی از نظر دسترسی به تصویرها و داستانهای فراهم آمده در یک مؤسسه محرومیت بیشتری می‌کشد. برای کودکانی که زندگی خانوادگی یا اشیاء معمولی جهان «خارج» را نمی‌شناسند، کتابهای بیشتری — با تک تصویرهایی در هر صفحه — لازم است و ترجیح دارد هر تصویر به یک شیء مربوط و آن شیء وابسته به همان زندگی شناخته شده وی، مثلاً بیمارستان، باشد بطوری که جای واژه‌های مادر، پستیچی، تلفن، سگ و جز آنها، اشیاء و کلمه‌های آشنا به ذهن او نظیر تخت، پرستار، دست‌تاب و غیره به کار رود. این گونه پیوند و آشنایی مددکار تعیین هویت و یادگیری کودک است که ساختار ذهنی او توان تخیل و ایجاد هیجانها و نیز تجربه‌ای را ندارد که قدرت جهش میان آنچه را می‌داند و آنچه را در کتاب تصویری می‌بیند به هم ربط دهد.

کتابهایی با ویژگیهای دیداری و بساوشی [لمسی] نیز مفید است، اما شاید بزرگترین پیشرفت در کتابداری ویژه کودکان معلول بر پایی کتابخانه‌هایی از اسباب بازیها [اسباب بازی خانه]^{۱۶} باشد. پیشرفتی در تشخیص این نکته که یادگیری از راه منابع گونه‌گون انجام می‌شود، چنان که ایجاد سریع و قارچ‌وار مراکز رسانه‌ها در مراکز معمولی بسیاری از کشورها و افزایش مجموعه دیداری و شنیداری در برخی از نظامهای کتابخانه‌های عمومی گواهی بر صحت این نکته است.

کودک معلول، این طفل محروم از توان جسمی و ذهنی برای بهره‌جویی از کتابهای معمول، برای جبران این نقص به انگیزه‌های دیگر و بیشتری نیاز دارد و برخی کتابداران می‌دانند که منابع دانش به رسانه‌های چاپی محدود نیست. در برخی کشورها، اسباب بازی خانه‌ها شاهدهی بدیهی بر این ادعاست و به شیوه‌های گوناگون اداره می‌شود؛ فضای لازم یا کارکنان ضروری آن را کتابخانه‌های عمومی فراهم می‌سازند، برخی دیگر را سازمانهای داوطلب با همکاری کتابداران کتابخانه‌های کودک اداره می‌کنند، پاره‌ای دیگر را والدین، رهبران گروههای بازی، گفتاردرمانان، بهداشتکاران یا

دارند و مدام بر صحافی و صفحه‌ها فشار وارد می‌آورند. برخی معلولان ذهنی کتاب را با بی‌ظرافتی تمام دستکاری می‌کنند و درصد اندکی از کودکان بشدت زیرهنگار می‌توانند حتی در دستکاری کتابهای با دوامتر، خشونت بیش از حدی نشان دهند.

بدین‌سان کتابداران باید بپذیرند که کتابها و دیگر منابعی که برای استفاده کودکان معلول فراهم می‌شود احتمالاً عمر کمتری از موادی دارد که خواننده معمولی از آنها بهره می‌جوید و در نتیجه هزینه فراهم‌آوری آنها بیشتر است و به اصطلاح مقررات مربوط به آسیب‌رسانی به مواد نیاز دارد.

تهیه و تدارک موجودی مجموعه نیز کاری رایج است و باید موارد زیر را دربر گیرد:

۱. دستیابی به همه مواد مجموعه کودکان و نوجوانان، علاوه
۲. تعداد کتاب بیشتر برای خوانندگان عقب‌مانده، کتابهایی با چاپ درشت، نوار داستان و موسیقی. در این مورد مشکلی بین‌المللی وجود دارد و علت آن نامازگاری نوارهای تهیه شده در برخی کشورها با نوارهای دیگر کشورهاست، استاندارد کردن دستگاههای الکترونیکی در رأس اولویتهای قرار دارد.
۳. کتابهای بساوشی [لمسی] نظیر پنجه کشیدنی و بویدنی، تاولی، لمسی، آینه‌ای و اندودنی [پوششی].
۴. شکلهای با دوام نظیر کتابهای برساخته از اشیای اضافی و دورریختنی، مقوایی، برگه‌ها و تصویرهای مطبوع.
۵. کتابهای چاپی روشن، ساده و رنگارنگ با تصاویر و محتوای فکری.
۶. کتابهای اقتباس شده و تطبیق‌یافته با نیازهای ناشنوایان و خوانندگان عقب‌مانده.
۷. اسباب‌بازیها برای کودکان معلول جسمی و ذهنی و محروم از مزایای اجتماعی.

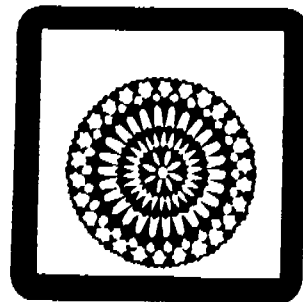
۸. مجله‌ها و خبرنامه‌های انجمنهای [حمایت از] معلولان.
۹. فهرستهای خدمات کتابخانه ملی برای معلولان.
۱۰. بایگانیهای اطلاعات و اوراق تبلیغاتی مربوط به نام و نشانی انجمنهای محلی و ملی فعال در زمینه امور معلولان ویژه.
۱۱. فهرستهای تجاری تجهیزات و دستگاههای دیداری-شنیداری و کمکی مطالعه نظیر گوشیها، دستگاههای ورق‌زن، اسباب‌بازیها، وسایل و اسباب کتابخانه‌ای.
۱۲. اطلاعاتی در باب برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی خاص کودکان معلول یا درباره آنها.

بدین‌ترتیب کتابدار باید دریابد که در میان مجموعه موجودی معمولی انواع موادی وجود دارد که می‌توان از آنها برای معلولان بهره گرفت. و از محدوده‌های ادبی و شکلی اعمال‌شده در کتابداری سنتی کودکان باید پا را فراتر نهاد و در راه فراهم‌آوری انواع مواد

ضروری برای کودکان معلول، در سطوح مختلف، دست به اقدام زد. خدمات کتابخانه عمومی افزون بر گردآوری، تکمیل و غنی ساختن مجموعه‌های خود آموزشگاهها، باید خدمات اطلاع‌رسانی به والدین، آموزگاران و دیگر کارگزاریهای دست‌اندرکار امور معلولان را برعهده گیرد. در مطالعه اجمالی که شعبه یورکشایر^{۱۷} گروه کتابخانه‌های جوانان^{۱۸} انجام داد، این نیاز نکته‌ای بود که انجمنهای حمایت معلولان بیش از همه بر آن تکیه کردند و در یک برنامه رادیویی ویژه معلولان، یعنی برنامه «تماس»^{۱۹}، یکی از مدرسان دانشگاهی نابینا از نگارنده پرسید که چرا کتابخانه‌های عمومی به تهیه و نگهداری بایگانیهای اطلاعاتی در این زمینه نمی‌پردازند و چرا بندرت دست به تهیه سیاهه‌های مواد خواندنی ویژه خوانندگان معلول می‌زنند.

در طی سال تحصیلی اغلب برای برخی کودکان معلول بازدیدهای کلاسی از کتابخانه ترتیب داده می‌شود و بسیاری از کتابداران کتابخانه‌های کودکان به دیدار آموزشگاههای ویژه و بخشهای عمومی کودکان در بیمارستانها می‌روند، برای آنان کتاب می‌برند و جلسه‌های بحث کتاب و نشست‌های قصه‌گویی بر پا می‌دارند. برخی برنامه‌های والدین و داوطلبان را برای مطالعه هماهنگ می‌سازند و این کار اغلب نتایج مثبتی دربر دارد. کودکان نشسته بر صندلیهای چرخدار تشویق می‌شوند در فعالیتهای معمولی کتابخانه، ساعات ویژه قصه‌گویی، استفاده از مجله‌ها، برنامه‌های موسیقی و نمایش شرکت جویند. اما در اغلب موارد کتابخانه‌های عمومی دسترس‌ناپذیر است و فاقد تسهیلات لازم برای ورود معلولان و استفاده آسان از مواد آنها، تسهیلاتی که به آسانی با تهیه و تعبیه گذرگاههای شیب‌دار، آسانسورها، درهای چرخان‌پهن، کفپوشهایی که از سرخوردن جلوگیری می‌کند، دستشویی و مستراحهای خاص، توقفگاه اتومبیل نزدیک در ورودی کتابخانه، به کار نبردن اشیاء برجسته و برآمده، تهیه صندلیهای چرخدار، گوشیها و ورق‌زنها در کتابخانه بهره‌جویی را ساده می‌کند. افزون بر اینها نشانه‌هایی در کنار وسایل چرخدار و سگهای راهنما که جای آنها را نشان دهد نیز مددکار می‌افتد. بسیاری از کشورها قوانینی حاکم بر طراحی بناهای عمومی دارند، اما تغییر بناهای موجود و تطبیق آنها با آن قواعد هنوز انجام نشده است و آموزشگاههای ویژه بسیاری برای معلولان جسمی، بظاهر به‌تنهایی به این نکته علاقه‌مندند.^{۱۹}

کتابداران باید این نکته را بازشناسند که وظیفه کتابخانه عمومی خدمت به همگان است و این گفته شاید به معنای آن باشد که باید به میان آنان رفت و مسلم بدین معناست که باید کتابخانه را برای معلولان دسترس‌پذیر کرد. معلولانی که می‌توانند خود را به کتابخانه رسانند، اما نمی‌توانند به هیچ دشواری به درون آن راه یابند. بر کتابداران است که دریابند کار «آرام» و شیرین قصه‌گویی اغلب



کودک معلول از جهات مختلف به نقطه‌ای می‌رسد که باید از زیر چتر حمایت آموزشگاه بیرون آید و با رسیدن به مرحله بزرگسالی، از نظر آموزشی جسمانی، هیجانی، اخلاقی و اجتماعی بکوشد تا جای خود را در دنیای بزرگسالان بیابد. کیفیت زندگی بزرگسالی او تا حد زیادی به این نکته باریک وابسته است که تا چه مقدار وی را برای استقلال مجهز و آماده ساخته‌اند. این مسأله در مورد بزرگسال معمولی نیز صدق می‌کند، اما برای معلول اهمیت حیاتی دارد و کتابداران باید نقش خود را در این فرایند ایفا کنند.

با آن که در زمینه‌های خاصی دشواری مطالعه و بهره‌جویی از کتابخانه برای دسته‌های ویژه‌ای از معلولان وجود دارد، زمینه‌های عامی نیز رخ می‌نماید که درک و دریافت هر دو آن به کتابدار کتابخانه‌های کودک جهت تدوین برنامه‌های خدماتی رهنمود می‌دهد و انجام خدماتی مناسب با بودجه، مجموعه و ظرفیت کاری کارکنان هر نظام کتابخانه‌ای را امکان‌پذیر می‌سازد. اما پیش‌نیاز هر خدمت بسنده و مؤثر تنها «درک و دریافت» است.

به افزایش واژگان و تلطیف هیجان و افزونی گنجایی پذیرش لذت و شادمانی آنان می‌انجامد. اگرچه این شادی و لذت زودگذر است، زمانی که برای کودکان معلول دست می‌دهد نباید بسادگی از آن گذشت.

هر کتابخانه عمومی، هر سازمان خدماتی آموزشگاهی، هر کتابخانه بیمارستانی و هر کتابخانه انجمنی خاص باید در راه تدوین برنامه‌های ویژه پیشرفت کار کارکنان خود، به منظور آشنایی با سرشت و نیازهای کودکان معلول، همکاری کند و رابطه میان کارکنان و نیاز کودکان معلول و بهره‌جویی از کتابخانه را دریابد. البته برخی مدارس کتابداری به این موضوع به منزله درسی اختیاری توجه دارند، اما در این مرحله علاقه‌چندانی به آن نشان داده نمی‌شود. تماسهای بعدی با کودکان معلول می‌تواند برقرار شود و نیاز کتابدار به اطلاعات را باید با برگزاری دوره‌های کوتاه‌مدت سرشار از تمرین و عمل برآورد و اگر فرصتی دست داد دوره‌ای آموزشی و تمام‌وقت که به گرفتن گواهینامه می‌انجامد، گذاشت. کتابدارانی که به کودکان خدمت می‌کنند یا با آموزگاران سر و کار دارند، فرصت فراخوانی و گرد هم آوردن آموزگاران و کتابداران آموزشگاههای ویژه را دارند، می‌توانند از نیازهای مشترک مطمئن شوند و اقداماتی تعاونی در کارهای گزینش، خدمات و تبادل اطلاعات به عمل آورند. به همین سان، فرصتهایی جهت دیدار دیگر کارگزاریهایی که در خدمت کودکان معلولند پیش می‌آید؛ نگارنده در پژوهشی اجمالی که به عمل آورد از حسن نیت به وجود آمده یاد کرد، از انتظارات جالب کتابخانه‌های عمومی پرده برداشت و رویهم رفته دریافت که بسیاری از کتابخانه‌های عمومی اساساً نیازمندیهای معلولان را نادیده گرفته‌اند.

برقراری رابطه، بخشی از کار کتابدار کتابخانه‌های کودک است تا بدین وسیله مواد مناسب را فراهم آورد؛ توصیه کند و به اطلاع رساند؛ تماس با کودکان معلول را به منظور بازدیدهای فردی یا کلاسی سازمان دهد، بازدیدهایی که به فرایند اجتماعی‌شدن کودکان، پیشرفت آموزشی و ایجاد سرگرمی برای او یاری می‌رساند و به همگان درس می‌دهد که ناهنجاریها و زیرهنجاریها را بر اثر تماس روزافزون بشناسند و بپذیرند.

۱. اسپینا بیفیدا (Spina bifida): ضایعه‌ای در ستون فقرات که در نتیجه یکی نشدن کامل قوسهای مهره‌ای در خط وسط است. بیماری داشتن زائده خارمانند در ستون فقرات. — م

۲. هیدروسفالی (hydrocephali): حالتی که با تجمع مایع مغزی نخاعی در جمجمه مشخص شده و همراه با بزرگ شدن سر، آتروفی مخ، ضعف قوای عقلانی و تشنج است. — م

3. autism
4. spasticity
5. Great Britain, Department of Education and Science (1973). *Statistics of Education*. Vol. 1. Schools. London: H.M.S.O.
6. R. Davie, N. Butler and H. Goldstein (1972). *From Birth to Seven. National Child Development Study*. National Children's Bureau/Longman.
7. The National Library for the Blind.
8. Royal National Institute for the Blind in the United Kingdom.
9. Library of Congress Division for the Blind and Physically Handicapped in the United States.
10. Swedish Institute
11. Moon
12. *Home Library for the Deaf*. John Wheeler: 23 Canning Street, Brighton, U.K.
13. imbecile
14. Great Britain. Mental Health Act, 1959.
15. Margaret R. Marshall (1975). *Each According to His Ability: A Select List of Materials for Use By and With the Mentally*
15. Margaret R. Marshall (1975). *Each According to His Ability: A Select List of Materials for Use By and With Mentally Handicapped Child*. School Library Association.
16. toy library
17. Yorkshire Branch
18. Youth Libraries Group
19. Far Winkworth and Margaret Marshall (eds) (1975). *Survey of Public Library Provision for the Handicapped Child in Yorkshire*. Library Association, Youth Libraries Group, Yorkshire Branch.